

افزایش حضور نظامی آمریکا به چه معناست؟



کیومرث اشتریان

حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه و اقیانوس هند و مذاکراتی که در جریان است، از نظر چالش‌ها یا مخاطراتی که برای امنیت ملی ما دارد، بیش از هر موضوعی شایسته بحث و گفت‌وگو است. پرسش این است که افزایش حضور نظامی آمریکا در منطقه و ازجمله در جزیره دیه‌گو کارسیا به چه معناست؟ آیا به معنای افزایش احتمال برخورد نظامی است یا دلایل دیگری امکان برخورد نظامی را افزایش می‌دهد. آیا هزینه‌های بالای حضور نظامی خود به‌تنهایی می‌تواند دلیل وقوع جنگ باشد؟

۱- ابتدا باید به برآورد روشنی از افزایش حضور نظامی آمریکا دست یافت، به‌ویژه این برآورد باید بر هزینه‌های افزایشی ناشی از تشدید اخیر حضور نظامی تمرکز داشته باشد و نه هزینه‌های پایه مربوط به نگهداری نیروها و پایگاه‌ها و تجهیزات.

۲- مجموع فعالیت‌ها و هزینه‌های نیروهای آمریکایی شامل موارد زیر است: استقرار نیروها: ۱۲۵ تا ۳۳۳ میلیون دلار (م.د.). عملیات هوایی: ۱۱۰ تا ۲۵۰ م.د.. عملیات دریایی: ۷۸۰ میلیون تا ۱۰۰۸ میلیارد دلار، دفاع موشکی: ۱۵ تا ۳۰ م.د.. موشک‌های رهگیر: ۲۰ تا ۸۰ م.د.. تدارکات: ۶۴ تا ۱۴۰ م.د.. مهمات: ۲۵ تا ۶۵ م.د.. جمع کل: ۱۰۱۴ تا ۱۰۹۸ میلیارد دلار. در مقایسه با هزینه‌های تاریخی، برآورد پنتاگون در سال ۲۰۲۴ هزینه عملیات خاورمیانه از اکتبر ۲۰۲۳ تا ژانویه ۲۰۲۴ (چهار ماه) را ۱٫۶ میلیارد دلار اعلام کرد که شامل افزایش کوچک‌تری در حضور نظامی بود؛ یعنی یک ناوگروه هواپیمابر، جنگنده‌های اضافی و سامانه‌های دفاع هوایی. استقرار نظامی در سال ۲۰۲۵، با دو ناو هواپیمابر، بمبافکن‌های B-۲ و افزایش لجستیک، بزرگ‌تر است، بنابراین برآورد ۱۰۱۴ تا ۱۰۹۸ میلیارد دلار برای دو ماه با این سابقه همخوانی دارد؛ یعنی بدون درنظرگرفتن هزینه‌های پایه، تفاوت در حدود ۲۰۰ میلیون دلار است.

۳- هراس و ایجاد اختلال محاسباتی در دشمن مهم‌ترین کارکرد جابه‌جایی و استقرار نیروهاست. انسان‌ها (و دولت‌ها) در هنگام هراس دچار خطای تصمیم‌گیری می‌شوند و نمی‌توانند بین «ترس معقول» و «هراس روان‌پریشانه» تفکیک قائل شوند. ترس معقول در یک فرایند جمعی تصمیم‌گیری پدید می‌آید و هراس معمولا در فضای تصمیم‌گیری انفرادی بیشتر رخ می‌دهد. «بیش-برآورده یا کم-برآورد» در درون ما رخ می‌دهد.

۴- دوروایت مهم از «استقرار» یا به تعبیر بهتر «جابه‌جایی» اسکادران‌ها و ناوبرها و نیروها و بمب‌افکن‌ها وجود دارد: نخستین روایت آمادگی برای حمله نظامی است که درباره آن بسیار سخن گفته شده است. استدلال کسانی که امکان جنگ را بالا می‌دانند، این است که این جابه‌جایی‌ها هزینه دارد و اگر قصد آمریکا حمله نباشد، این هزینه‌ها بیهوده است. بنابراین بروز جنگ را با وجود صلح ادعایی آمریکا بالا می‌دانند. البته همواره پاید این استدلال را جدی گرفت اما نه به میزانی که قطعی تلقی شود و نه اینکه براساس این، هراس‌آلود به سراغ مذاکره یا جنگ پیش‌دستانه رفت. منازعات درونی هیئت حاکمه آمریکا ممکن است موازنه را به نفع جنگ‌طلبان تغییر دهد. متأسفانه همه چیز به گروگان حوادث رفته است. ازاین‌رو در چنین حالتی جنگ، وسعتی حداکثری خواهد داشت. تاریخ تصمیم‌گیری جنگی آمریکا نشان می‌دهد که بسیاری از مقامات آمریکایی به همان سادگی که بر کاغذ نقاشی می‌کنند، بر روی نقشه کشورها هم خیال تجزیه می‌کنند. نمونه اخیر چنین خیال‌انگیزی‌های بوالهوسانه‌ای اظهارات آنان درباره غزه و گرینلند و کاناداست. به طرز شگفت‌انگیزی در ساختار تصمیم‌گیری بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان با کسانی مانند مایک پمپئو، جی.دی ونس، مارکو روبیو و مهم‌تر از همه دونالد ترامپ گره خورده است. اینان همگی سابقه چنین اظهارات و توهماتی را دارند و مهم‌تر آنکه جان انسان‌ها و کیان کشورها را به خطر انداخته‌اند. چیزی که برای برخی شوخی به نظر می‌رسد، برای دیگران در عراق و افغانستان و غزه به ترازِدی تبدیل شده است. اما همین سبک‌سری می‌تواند در سایه پراگماتیسم آمریکایی یکباره به روایتی کاملاً دیگرنگون تحول یابد. مهم این است که «بیزینس آمریکایی» بتواند روایت جدیدی بسازد و از جهنم جنگ به بهشت کسب‌وکار متحول شود.

📅 یکشنبه ۷ اردیبهشت ۱۴۰۴
📅 ۲۸ شوال ۱۴۴۶
📅 ۲۷ آوریل ۲۰۲۵
📅 سال بیست‌ویکم
📅 شماره ۵۰۹۴
📅 ۳۰ هزار تومان
📅 ۱۲ صفحه

روزنامه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

نگاهی به «شب‌های بی‌خوابی» الیزابت هاردویک • واکنش دستیار ویژه پزشکیان به توهین جنجالی به اهل سنت در صداوسیما

حادثه در بندر شهید رجایی، همزمان با مذاکرات ایران و آمریکا، پیراپهامات افزود

انفجار در گلوگاه تجارت

گزارش «شرق» از اهمیت هرمزگان و بندر استراتژیک رجایی در اقتصاد کشور که حادثه مهیب انفجار را تجربه کرد

از انفجار بندر شهید رجایی تا اهدای خون مردم



این پروژه را در صفحات ۲ و ۳ بخوانید.عکس: محمد رسول مرادی، ایرنا

یادداشت

۶ دلیل که احتمال موفقیت مذاکرات با ترامپ را تقویت می‌کند



اسفندیار خدایی*

بگذارد و در رؤیای آن است که خود را در ردیف بزرگ‌ترین رؤسای جمهور آمریکا قرار دهد. همچنین او چشم به جایزه صلح نوبل دارد و بر این باور است که پایان‌دادن به جنگ‌های غزه و اوکراین و توافق با ایران می‌تواند او را به این هدف برساند؛ مانند اواما که در سال ۲۰۰۹ این جایزه را دریافت کرد. برخلاف تصورات اولیه، شخصیت خودمحسور ترامپ کمتر تحت تأثیر لابی‌های صهیونیستی یا تئدروهای جنگ‌طلب جمهوری‌خواه قرار می‌گیرد. او جسورانه آنچه را که به نفع آمریکای ترامپ تشخیص می‌دهد، دنبال می‌کند و کمتر تحت کنترل لابی‌ها و ارکان قدرت سنتی آمریکا قرار دارد و این امکان توفیق مذاکرات را افزایش می‌دهد.

۳. **ایران توافق را بر جنگ ویرانگر و فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل ترجیح می‌دهد**

جمهوری اسلامی ترجیح می‌دهد به توافقی دست یابد تا اینکه وارد جنگ با ترامپ شود و زیرساخت‌های هسته‌ای‌اش هدف قرار گیرد. چنین تقابلی نه‌تنها هزینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی در پی دارد، بلکه با آسیب احتمالی به تأسیسات هسته‌ای کشور، قدرت چانه‌زنی آینده ایران را نیز کاهش می‌دهد. شرایط اقتصادی ایران نیز اقتضا می‌کند که از جنگ پرهیز کند. همچنین مطابق بند مکانیسم ماشه برجام، در صورت عدم پایبندی ایران، طرف‌های مقابل می‌توانند بدون رأی‌گیری مجدد شورای امنیت، تحریم‌های سازمان ملل را بازگردانند. با انقضای برجام در اکتبر ۲۰۲۵، در صورت عدم دستیابی به توافقی جدید، احتمال اجرای این بند افزایش می‌یابد. در این صورت، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از مشروعیت حقوقی و بین‌المللی برخوردار می‌شوند و سایر کشورها نیز مطابق قطع‌نامه‌های شورای امنیت، به تحریم ایران تشویق می‌شوند. این سناریو برای ایران مطلوب نیست. بنابراین ضرب‌الاجل‌های ترامپ برای توافق باید فرصتی برای ایران تلقی شود تا مانع اجماع جهانی در تحریم شود. پیروزی دکنر پزشکیان در انتخابات سال گذشته و حمایت همه‌جانبه از او و مذاکرات، نشانه دیگری از جدیت ایران در این مسیر است.

۴. **جمهوری خواهان کنکره هم توافق را ترجیح می‌دهند**

برخلاف دوران برجام، امروز جمهوری‌خواهان همسو با ترامپ علاوه بر کنکره، قدرت اجرایی را نیز در اختیار دارند و می‌دانند که خروج آمریکا از برجام، برنامه هسته‌ای ایران را بسیار پیشرفته‌تر کرده است. آنها باید بین دوگانه جنگ و توافق انتخاب کنند. ضمن آنکه دموکرات‌ها قاعدتا با توافقی مخالفتی ندارند و حدود نیمی از کنکره را در اختیار دارند. از طرف دیگر، تحریم‌های کنکره علیه ایران را رئیس‌جمهور نمی‌تواند به‌طور کامل لغو کند؛ تنها می‌تواند هر شش ماه یک بار آنها را تعلیق کند؛ اقدامی که در دوران اوباما و حتی ترامپ تا پیش از خروج از برجام در سال ۲۰۱۸ انجام دادند. در سال ۲۰۲۳، کنکره «قانون بازنگری رفع تحریم‌های ایران» را تصویب کرد که رئیس‌جمهور را ملزم به ارائه گزارش به کنکره و کسب تأیید آن پیش از هرگونه تعلیق یا لغو تحریم‌ها می‌کند. مخالفان برجام

عصر چریک‌ها؛ گفت‌وگوی احمد غلامی با پرویز نویدی

سایه سنگین جزنی

صفحه ۶



برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

برگزیده‌ها

دیدار خصوصی ترامپ و زلنسکی در کلیسای سن پیت

دیپلماسی در سایه وداع با پاپ

مذاکرات تهران-واشنگتن همچنان پشت درهای بسته به دور چهارم کشیده شد

امید با چاشنی احتیاط

نقشی که خداداد عزیزی بازی می‌کند صدای اهالی فوتبال را درآورده است

غزال ملبورن شلوغ‌کن لیک

حزب ندای ایرانیان میزبان گفت‌وگوی استان‌های فلات مرکزی ایران بر سرآب

هشدار کارشناسان: زاینده‌رود در آستانه فروپاشی اکولوژیک است

نگاهی به سفر پیش‌روی پزشکیان به جمهوری آذربایجان

گامی در راه اعتماد دوباره

یادداشت

چهار ضلع مربع نه به مذاکره



ناصر ذاکری

کارشناس اقتصادی

تداوم تحریم‌های ظالمانه در طول چند دهه گذشته فرصت رشد و شکوفایی را از اقتصاد ملی گرفته و بخش درخور توجهی از جمعیت کشور را به زیر خط فقر رانده است. در طول این دوره تحریم و واژه‌های مرتبط با آن جزء واژه‌های پرتکرار در سخنان مسئولان کشور و فعالان سیاسی بوده است، اما هرگز شاهد تلاش گسترده آنان برای لغو تحریم‌ها همان‌گونه که ایک شاهد آن هستیم، نبوده‌ایم. شاید علت این امر این بود که درباره ابعاد آثار منفی تحریم، امکان دورزدن تحریم و بی‌اثر ساختن آنها یا اراده دشمنان به تداوم تحریم و تشدید آن همفکری وجود نداشت. به‌ویژه اینکه در طول چند سال گذشته جریان تندرو در سپهر سیاست کشور (با بیان جمله معروف تحریم نمونه‌ی؟) مدعی بی‌اثر بودن مطلق تحریم‌ها و حتی مفیدبودن آن به حال اقتصاد ملی بود. اما به دنبال اثبات بی‌رنگ‌بودن یا حداقل کمرنگ‌بودن حای جریان تندرو برای بسیاری از سیاستمداران متنفذ کشور، دور جدیدی از سیاست‌ورزی برای مقابله با تحریم‌ها و بازگرداندن کشور به شرایط ثبات و رشد اقتصادی آغاز شد. دولت چهاردهم با اعلام آمادگی برای مذاکره رویارو و کاهش تنش‌ها وارد میدان شد، اما برخی کانون‌های سیاسی و اقتصادی مصمم به کارشکنی و مانع‌تراشی در این مسیر هستند. این کانون‌ها را به‌عنوان چهار ضلع مربعی می‌توان تصور کرد که مدافع و مشوق رویکرد مخالفت با مذاکره و هر اقدامی هستند که منجر به کاهش فشار تحریم‌ها بشود. این چهار ضلع را به شرح زیر می‌توان ترسیم کرد:

۱- جریان سیاسی رقیب دولت: فضای رقابت سیاسی در کشور بسیار غبارآلود است. برخی فعالان سیاسی اهداف جناحی و حزبی را بسیار بالاتر از منافع ملی ارزیابی کرده، و در طول دهه‌های گذشته با هدف جلوگیری از موفقیت دولت وابسته به حزب رقیب، و با نادیده‌گرفتن منافع ملی وارد میدان شده‌اند.

📅 یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
--

📅 یکشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
--